

غیر از درس، عاشورا یک صحنه‌ی عبرت است. انسان باید به این صحنه نگاه کند، تا عبرت بگیرد. یعنی چه، عبرت بگیرد؟ یعنی خود را با آن وضعیت مقایسه کند و بفهمد در چه حال و در چه وضعیتی است؛ چه چیزی او را تهدید می‌کند؛ چه چیزی برای او لازم است؟ این را می‌گویند «عبرت».

برگی از رمزهای عاشورا

کیهان: دیروز یک‌بار دیگر عاشورا را پشت‌سر گذاشتیم، هزار و سیصد و هشتادمین آن را. اما حکایت عاشورا همچنان باقی است. همین دیروز یک روزنامه آمریکایی به دونالد ترامپ توصیه کرد ماجرای عاشورا را بخواند تا درباره ایران دچار خطای فاحش نگردد. در فاصله عاشورای سال قبل تا عاشورای امسال باز هم کتاب‌هایی به زبان‌های مختلف درباره نهضت ابی‌عبدالله‌الحسین علیه‌السلام و بازهم صدها مقاله در این باب نوشته شده است و مسلماً بازهم و باز هم نوشته خواهد شد چرا که کربلا و ماجرای سال ۶۱ هجری آن یک «حادثه» نیست یک «واقعه معیار» است که «عیار» هر جریان و فردی با آن سنجیده می‌شود از این‌رو هر انسان در فطرت الهی خویش، دوست دارد به عاشورا نزدیک باشد. امام حسین علیه‌السلام از این باب یک استثناء در بشریت است و از این روست که در میان تمام مناسکی که از ابتدای خلقت وضع و رسم شده و جریان یافته، مراسم عاشورا و نام و یاد امام حسین علیه‌السلام در ابهت و تأثیر از همه برتر است و نیز از این رو در لسان معصومین علیهم‌السلام گفته شده «کشتی امام حسین(ع) سریع‌ترین کشتی نجات است» و می‌توان گفت در ابعاد مکانی و زمانی، در هیچ ماجرا و رویداد دیگری، به اندازه ماجرای امام حسین علیه‌السلام، خداوند عبادت نشده و کمتر پیامبری به اندازه امام حسین(ع) - با آنکه پیامبر نبود - بشریت را با خدا آشتی داده است. در این خصوص گفتنی‌های زیادی وجود دارد.

امام حسین و یاران باوفای آن حضرت - علیهم صلوات‌الله - در نیم روز عاشورای محرم، کاری کرده‌اند که برای بیان هر جزء آن پیامبرانی آمده‌اند و خداوند آنان را مثل اعلی آن برشمرده است، بندگی، معرفت، صبوری، علم، فداکاری، حکمت، درایت، ایمان، مجاهدت، بصیرت، رشادت، پایمردی، دلدادگی، عشق. اما در کربلا همه این‌ها به منصفه ظهور رسیده‌اند. گویا در کربلا و در روز عاشورای محرم ۶۱، یک‌بار تمام ماجرای انبیای الهی از خاتم تا آدم مرور شده و هر جزء آن پررنگ‌تر از هر خصلتی که پیامبری به آن شهره بوده نشان داده شده است.

حجت‌های عاشورا به ما روح ایستادگی داده است

جوان آنلاین: سردار سرلشکر پاسدار حسین سلامی: چشم آسمان امروز به زمین خیره بود تا کهکشانی از ستاره‌های سرشار از محبت و به آسمان کشیده را که به یاد دستان بریده به آسمان بلند بود را نظاره کنند. عاشورا عظیم‌ترین واقعه

حیات بشر و پر شکوه‌ترین رویداد هستی است. هر ساله این واقعه عظیم زنده‌تر، طوفانی‌تر و عمیق‌تر به پیش می‌رود و قلب‌ها و دل‌های جدیدی را تسخیر می‌کند به‌گونه‌ای که قلمرو این رویداد جاودان حیات و زندگی بشر و قامت هستی و قلب اروپا و آمریکا را تحت نفوذ قرار داده است. عاشورا کهنه نمی‌شود و غبار کهنگی در سیمای عاشورا نمی‌نشیند و نقطه‌ای ثابت در تاریخ نیست و دائم در حال حرکت است و در همه دوران‌ها الگو می‌آفریند.

امروز هم همانند زمان امام حسین (ع) است، ولی امت تغییر کرده است، امروز مسلمانان امام زمان خود و نایب‌اش را و دشمن زمان خود را می‌شناسند. امروز امام مسلمین تنها نیست و افراد مجاهد و شهادت‌طلب بسیاری وجود دارد که می‌توانند برای طولانی مدت مبارزه کنند، ولی امروز سلاح‌ها عوض شده‌اند و در واقع حجت‌های عاشورا به ما روح ایستادگی داده است.

مذاکره ترامپ و طالبان در بن بست؟

خراسان: ترامپ نه گفتاری بلکه در عمل هم ثابت کرده است انسانی غیر قابل پیش‌بینی است. وقتی به مذاکره با طالبان روی آورد و به شکل جدی مذاکره کرد و تقریباً به توافقی هم دست یافتند، هیچ کس چنین چیزی را پیش‌بینی نمی‌کرد؛ امروز هم وقتی پس از ۹ دور مذاکره و حصول یک توافق «غیر منتظره»، ترامپ با یک توثیت زیر میز مذاکره زده و همه چیز را بر هم می‌زند، باز کسی فکر نمی‌کرد چنین اتفاقی بیفتد. این اتفاق هم روزی رخ داد که به گفته خود رئیس‌جمهور آمریکا، اشرف غنی رئیس‌جمهور افغانستان و رهبران طالبان قرار بوده شب همان روز عازم آمریکا شوند تا با ترامپ در کمپ دیوید دیدار و گفت و گو و توافقی را امضا کنند. ترامپ دلیل لغو مذاکرات صلح با طالبان را حمله پنج شنبه گذشته طالبان در کابل و کشته شدن یک نظامی آمریکایی اعلام کرده است اما این موضوع، دلیل منطقی به نظر نمی‌رسد. در طول ماه‌های گذشته نیز طالبان همپای مذاکرات با آمریکا چنین حملاتی را انجام داده بود و حتی در برخی از آن‌ها نیروهای آمریکایی کشته شدند؛ به عنوان مثال در نوزدهم فروردین در یک عملیات طالبان در پایگاه هوایی بگرام نه یک نظامی بلکه سه نظامی آمریکایی کشته شدند. در واقع، طالبان درست همان شیوه‌ای را در پیش گرفته که جبهه آزادی‌بخش ملی الجزایر در دهه ۶۰ میلادی قرن گذشته در مذاکرات خود با فرانسه به کار گرفت؛ در حالی که شاخه سیاسی این جبهه در شهر ایوان فرانسه با دولت ژنرال دیگل مذاکره می‌کرد، شاخه نظامی آن مشغول انجام عملیات علیه نیروهای فرانسوی در خاک الجزایر بود. به هر حال، دلیل لغو مذاکرات صلح نه کشته شدن نظامی آمریکایی، بلکه در وهله اول مزاج و تیپ شخصیتی خود ترامپ است که دوست دارد درست در لحظه‌ای که همه تصور و گمان مشخصی دارند، برخلاف آن عمل و همگان را غافلگیر کند. البته دلایل دیگری نیز محتمل است که مهم‌ترین آن‌ها غلبه جان بولتون بر طرفداران توافق با طالبان در دولت آمریکاست. بولتون مخالف چنین توافقی است. اگر چنین دلیلی پشت قضیه باشد، نشان دهنده میزان تاثیرگذاری بولتون بر تصمیمات ترامپ است؛ هر چند به تازگی برخی منابع آمریکایی از کاهش نفوذ وی سخن گفتند و برکناری وی در روز گذشته توسط ترامپ این گمانه را ضعیف کرد. همچنین این احتمال نیز وجود دارد که این تصمیم ترامپ با هدف فشار آوردن بیشتر بر طالبان گرفته شده تا امتیازات بیشتری قبل از امضای توافق نهایی از این گروه بگیرد. بر اساس توافق اولیه آمریکا و طالبان پس از ۹ دور مذاکره در دوحه قطر قرار بر این است که آمریکا ۵ هزار نفر از ۱۴ هزار نظامی خود را از افغانستان خارج کند و در مقابل طالبان هم متعهد شده است که این کشور به پایگاهی برای گروه‌های تندرو به منظور حمله به آمریکا و هم پیمانان آن تبدیل نشود. طالبان در حالی با آمریکا وارد

مذاکره شد که از هر نوع گفت و گویی با دولت افغانستان خودداری می کند به این علت که آمریکا را همه کاره دولت می داند و ترجیح می دهد نخست با آمریکا توافق کند و دولت نیز مجری آن باشد. این مذاکرات در سایه تحولات میدانی قابل توجه در سه سال اخیر و گسترش سلطه سرزمینی طالبان در این کشور جنگ زده رخ داد؛ به نحوی که گزارش بازرس کل آمریکا در امور بازسازی افغانستان نشان می دهد که دولت اشرف غنی تا اکتبر ۲۰۱۸ تنها بر ۵۳٫۸ درصد کل خاک افغانستان سیطره داشته در حالی که این میزان در سال ۲۰۱۵، ۷۲ درصد بوده است.

هیاتی سکولار

فارس: هیاتی سکولار، سکولار هیاتی نیست. برخی فکر می کنند هیاتی سکولار جوان با کروات و هفت تیغ و یا زن بی حجاب یا غیره است. سکولار (به معنای عرفی) وقتی پایش به هیات رسید، حرمت و قیمت یافته است. برخی دیگر فکر می کنند هیات سکولار طرفداران فلان روحانی اند که مورد حمایت انگلیسی ها هستند. برخی دیگر هیات سکولار را با انجمن خاک خورده حجتیه می شناسند؛ یا هیاتی که حرف سیاسی نمی زند. از این موارد بگذریم، نگران کننده نیستند. "هیات سکولار" بجای خود؛ تا به حال درباره "هیاتی سکولار" شنیدید؟

هیاتی سکولار نگران کننده تر و عمومیت بیشتر دارند. هیاتی سکولار شاید در هیات غیرسکولار باشد. راه دور نرویم. از خودمان حرف می زنیم...

هیاتی سکولار کسی است که محبت اش به اهل بیت از درب هیات فراتر نمی رود. تنها اثر اشک و ندبه اش حال خوب است و آرامش وجدان تخدیری. هیاتی سکولار ممکن است عکس امام و آقا هم در هیاتش باشد و در انتهای مجلس هم انقلاب را دعا کند.

به خودمان رجوع کنیم بینیم ثمره اشک را چه دانستیم. حضرت امام فرمود امام حسین به اشک ما نیاز ندارد. رهبر انقلاب فرمود اگر به اشک و ندبه است معاویه هم اهل مدح و مرثیه بر امیرالمومنین بود.

سید بن طاووس در لهوف نقل می کند که وقتی اهل بیت به کوفه رسیدند، اهل شهر به پهنای صورت اشک می ریختند.

پس اشک به تنهایی نشانه ولایت نیست. هیاتی سکولار کسی است که محبتش به امام به منصفه عمل نمی رسد. عمل؟ کدام عمل؟ هر عملی؟ خیر. عملی که نصرت امام و منطبق بر نقشه ولایت باشد نه تشخیص و اجتهاد شخصی. برخی هیاتی و دیندارند و حتا اهل عمل. اما عمل شان نسبتی به خواسته و نصرت امام شان ندارد. نمونه تاریخی اش عبیدالله بن حر جعفری. گفت من نیستم اما اسب و شمشیرم برای شما. برخی تلاش می کنند، خرجی می دهند، کار و فعالیت دیندارانه هم دارند، اما کار امام شان را پیش نمی برند. امام در کربلا باشد و ما در مدینه اهل مجلس علم و خدمت رسانی به نیازمندان و مبارزه با ظلم و سفره انعام و غیره باشیم شوخی است. امام هست و تنها غیبتش فیزیکی است. نقشه امام زمان منطبق بر همین انقلاب است. نقشه امام مان را جلو نبریم گریه مان فراتر از گریه اهل کوفه نیست و عمل مان فراتر از عبیدالله بن حر جعفری نخواهد رفت.

هیاتی سکولار، "انقلابی بدون عمل" یا "عمل ناانقلابی" است.

روح شریعتی شاد با این جمله اش در حسین وارث آدم: "وقتی از صحنه حق و باطل زمان خویش غایبی، هرکجا می خواهی باش! چه به نماز ایستاده باشی چه به شراب نشسته."

حقوق بشر فیروزه‌ای؛ یک سازمان و هزاران تناقض

الف: سازمان مجاهدین خلق ایران امروزه تلاش می‌کند تا با مخفی نگاه داشتن سابقه خویش، با بهره‌گیری از حمایت حامیان غربی خود، با برگزاری کنفرانس‌های سالانه -که آخرین آن‌ها در ماه گذشته در حومه پاریس برگزار شد- و نیز انجام سخنرانی و صدور بیانیه به مناسبت‌های مختلف، خود را حامی آزادی و حقوق انسان‌ها معرفی کرده و حمایت از خویش را تنها راه رهایی مردم ایران از خشونت و سرکوب‌گری‌ای بداند که مدعی است در دوران استقرار نظام اسلامی بر مردم تحمیل شده است.

مریم رجوی مسئول کادر رهبری سازمان منافقین در بیانیه‌ای ده ماده‌ای که در خصوص آزادی‌ها و حقوق بشر و حقوق زنان صادر کرده، بندهایی را آورده که با توجه به محدودیت موجود در این نگاشته، تنها چند مورد از آنان به عنوان نمونه مورد بحث قرار می‌گیرند تا نشان داده شود که سابقه و وضعیت کنونی اعضای نگاهداری شده در کمپ‌های این سازمان بسیار شرم‌آورتر از آن است که بتواند ادعایی در این زمینه‌ها داشته باشد. نگاهی گذرا به وضعیت گذشته و حال این سازمان، نشان دهنده وضعیت بغرنج افرادی است که ذیل مدیریت این سازمان روزگار می‌گذرانند؛ به گونه‌ای که بنا به اعتراف برخی از اعضای فرار کرده و جدا شده از سازمان و برخی گزارش‌های که سازمان‌های بین‌المللی، غالب این افراد از حقوق اولیه انسانی همچون حق تعیین سرنوشت و تصمیم‌گیری در خصوص آینده خود، حق جدایی از سازمان، حق زندگی آزاد، حق ازدواج و تشکیل خانواده، حق ملاقات با اعضای خانواده، حق تعیین نوع پوشش - ملزم بودن به پوشیدن لباس کادر نظامی با رنگ ثابت و مشخص - و بسیاری از حقوق اولیه و مسلم انسانی محروم بوده و در صورت سرپیچی، سخت‌ترین شکنجه‌ها و محرومیت‌ها در انتظار آنان است. در ادامه به برخی از این موارد به شکل گذرا اشاره می‌شود:

۱. طلاق اجباری و ممنوعیت ازدواج ۲. عقیم‌سازی زنان ۳. جدا کردن فرزندان از مادران ۴. ممنوعیت تماس با خانواده
۵. ممنوعیت جدایی از سازمان

در این راستا، حامیان بین‌المللی منافقین نیز باید فرایند به رسمیت شناخته شدن این سازمان به عنوان یک گروه آزادی‌خواه و معارض رسمی نظام جمهوری اسلامی را در دستور کار خویش قرار دهند. خارج کردن نام منافقین از لیست گروه‌های تروریستی و تلاش سازمان‌یافته برای جلب موافقت یک کشور اروپایی جهت پذیرش اعضای این سازمان، راه را برای ترریق کمک‌های مالی بیشتر -که حکم تنفس مصنوعی جهت احیای سازمان را دارد- باز کرده است و حاکی از آن است که پس از مدتی افول و سردرگمی، اکنون سران غربی منافقین، نقش جدیدی برای آنان در نظر گرفته‌اند.

